



جمال الدين
ترجمہ
جمالی

مکاسب

منظور از طبع و نشر این مجله بالا بردن سطح اطلاعات و معلومات سردفتران و دفتریاران و دانشجویان رشته حقوق است و پیوسته سعی میشود که مندرجات مجله ما حاوی مقالات سودمند حقوقی و قضائی و اجتماعی و احکام و آراء و فتاوی دانشمندان داخلی و خارجی باشد و مطالعه آن از نظر اکتساب اطلاعات و اتخاذ روش دقیق در رعایت دلالت الفاظ و مفاهیم اسناد برای خواننده مفید افتد و مباحث حقوقی و اجتماعی را طوری طرح و بحث کند که سهل الفهم و مناسب باشد و مباحث علمی و قضائی حتی المقذور بزبان ساده تشریح گردد. *تال جامع علوم انسانی*

مقصود دیگر از مجموعه مقالات مجله رفع احتیاجات افراد و خانواده هاست که درباره حقوق و مسئولیت های پدر و مادر و دختر و پسر و زن و شوهر، خریدار و فروشنده، مالک و مستاجر، شاکی و مشتکی عنده را توضیح و توجیه نماید و راجع به معاملات معمول و غیر معمول، تنظیم قرارداد، ازدواج و طلاق، وصیت و بیمه و غیره بایان ساده و حتی المقذور بالغات و اصطلاحات معمول سخن بگوید تا برای همه طبقه قابل فهم باشد و آنان را در درک مسائل دادوستد و روابط اجتماعی و حفظ حقوق و حدود خود هدایت کند و روابط کارگر و کارفرما و نتایج قانونی حوادث رانندگی و طریقه جبران خسارات

و جلوگیری از تجاوزات را نشان دهد.

در بحث حقوق مدنی که بیشتر مورد استفاده طلاب و دانشجویان بود قوانین فقه اسلامی ترجمه کتاب «الموجبات والعقود علی ضوء القوانین الحدیثه» تالیف دکتر صبحی محمصانی را تمام کردیم و تصمیم گرفتیم که یک فقه استدلالی بر مبنای فقه امامیه در دسترس علاقه‌مندان بگذاریم و لذا بهترین و ارزنده‌ترین فقه استدلالی در قرن اخیر که مرجع و مدار بحث و تدریس فقها متأخر می‌باشد کتاب مکاسب فقیه بزرگ اسلام شیخ مرتضی انصاری را انتخاب و از این پس با استفاده از شروح فقهای معاصر بفارسی ترجمه و تشریح میکنیم.

از شماره آینده ترجمه و تفسیر و شرح مطالب در دسترس خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت اینک مقدمه:

مقدمه

نظامات و مقرراتی که حافظ روابط افراد در حیات اجتماعی میباشد قانون مدنی نامیده می‌شود.

روابط همه افراد در حیات اجتماعی بطور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط بذات اشخاص یا اموال و ثروت آنها می‌باشد آنچه متعلق بذات اشخاص است تابع احکام و احوال شخصیه است و آن مقدار که متعلق باموال و ثروت افراد می‌باشد تابع مقررات و احکام معاملات و مبادلات است بنابراین قانون مدنی بدو قسمت اساسی تقسیم میشود.

حقوق شخصیه و حقوق عینیه

حقوق شخصیه عبارت از مقررات و احکام مربوط باحوال شخصیه است و **حقوق**

عینیه عبارت از قوانین و مقررات مربوط به اموال و ثروت اشخاص می‌باشد و مدار این قسمت از حقوق مدنی مال است.

مال در لغت بآن چیزی اطلاق می‌شود از اعیان و موجودات خارجی که انسان

آنها تملك نماید .

بعضی گفته‌اند مال آنچه‌ی است که طبع انسانی بآن مایل و قابلیت ذخیره برای وقت حاجت داشته باشد. و در اصطلاح فقها بآنچه‌ی اطلاق می‌شود که قابل تملك و دارای ارزش تجاری باشد **میزان** در قابلیت تملك انتفاع بشر از اعیان و موجودات خارجی است بنابراین آنچه از اعیان و موجودات خارجی در حیات انفرادی و اجتماعی بشر اعم از ساکنین، ملبس و مطاعم و معادن و مزارع و آلات و ادوات که انسان از آن منتفع می‌شود در اصطلاح فقها بر آن اطلاق مال می‌شود .

با این بیان مالکیت وصف اعتباری است که منتزع از اعیان و موجودات خارجی می‌باشد و با اصطلاح حکیم که از معقولات ثانوی است که عروض آن ذهنی و انصافش در خارج است مثل ابوت و نبوت در این صورت هر یک از اعیان اختصاص بشخص پیدا کند مال و ملك او است و نسبت بان سلطنت مالکانه دارد و میتواند در آن انحاء تصرفات را بنماید. صاحب مال را مالک و عین اختصاصی را مملوك و نسبت حاصله بین مالک و مملوك را اضافه مالکیت گویند .

اضافه مالکیت بر دو نوع است نوع اول اضافه تکوینی و ذاتی است که تحقق آن محتاج بسببی از اسباب خارجی نیست مانند مالکیت فرد نسبت بعمل یا زمه یا نفس خود که تحقق آن ذاتی و تکوینی می‌باشد. بدیهی است بحکم وجدان و ضرورت و سیره عقلا هر فردی با لذات مسلط بر زمه و عمل نفس خود می‌باشد می‌تواند اجیر شود. و هر تعهد مشروعی را بر زمه خود مستقر سازد .

نوع دوم اضافه عرضی و اعتباری است که تحقق آن متوقف بسببی از اسباب است که از آن اسباب تعبیر به اسباب مملکه می‌گردد .

تقرر اسباب مملکه از ناحیه شارع و مقنن بمنظور حفظ حدود و حقوق فردی و اجتماعی تشریع گردیده در فقه اسلامی و حقوقی مدنی سبب مملك بدو قسم تقسیم شده است قسم اول اسباب قهری است و قسم دوم اسباب اختیاری اسباب قهری عبارت از

اسبابی است که حصول آن با اختیار فرد نیست بلکه بحکم شرع قهراً تحقق پیدا می‌کند مانند مالکیت ورثه ترکه مورث را و مالکیت مصادین وقف بموقوفه و معادیق نذر و امثال اینها که تحقق و حصول مالکیت در این موارد تابع احرار غنوان می‌باشد و احتیاج به سبب خاصی ندارد .

مراد از اسباب اختیاری آن است که بسبب مملک در اختیار و رضایت فرد بوده باشد و حصول آن منوط بوجود اسباب اختیاری است مانند نوع عقود در معاملات و ایقاع در ایقاعات . معامله مصدر باب مفاعله و بمعنی عملی است که از دو طرف انجام می‌شود و اصطلاحاً تعامل انشائی است که از طرفین معامله بقصد انجام آن بعمل می‌آید .

انشاء در مقام معاملات بدو نحو متحقق می‌شود ایجابی و ایقاعی، انشاء ایقاعی در مواردی است تمامیت و قوام عمل قائم بشخص واحد باشد مانند طلاق و ابراء . انشاء ایجابی در مواردی است که تمامیت عدل موکول بوجود موجب و قابل است مانند بیع اجاره صلح و امثال اینها، قسم اول را اصطلاحاً ایقاع و قسم دوم عقد نامیده می‌شود .

عقود بنوبه خود بر دو قسم است . عقود اذنی و عقود التزامی، مراد از عقود اذنی عقودی است که مفاد آن برای طرفین الزام‌آور نیست و رجوع از آن برای طرفین معامله جایز است مانند وکالت دعاریه، این نوع از عقود را عقد جایز مینامند .

عقود التزامی عقودی است که پس از وقوع عقد برای طرفین لازم الوفا می‌باشد و هیچیک از طرفین حق رجوع ندارند مانند عقد بیع و اجاره و صلح و امثال اینها عقود لازمه نیز بنوبت خود بعقود لازمه تقدیری و عقود لازمه تحقیقی تقسیم می‌شود عقود لازمه تقدیری عقودی است که اثر حاصله از آن عملی بحصول امر خارجی است مانند عقد مضاربه و مزارعه و جعاله، گرچه این سلسله از عقود هنگام وقوع منجز است لکن حصول نتیجه معلق بحصول ربح در مضاربه و محصول در مزارعه و عمل در جعاله می‌باشد عقود لازمه تحقیقی عبارت می‌باشد از عقود که وقوعاً و مفاداً منجز است مانند عقد بیع و اجاره که وقوع عقد بایع مالک ثمن و مشتری مالک میباید .